



بررسی وضعیت قاچاق انسان در ایران (معضلات و پیامدها) و ارائه‌ی راهکارهای مناسب برای کنترل این پدیده‌ی اجتماعی

عباس علی پور^۱

تاریخ تصویب: ۱۳۸۹/۱۲/۴

تاریخ دریافت: ۱۳۸۹/۱۱/۱۹

چکیده

قاچاق انسان یکی از پدیده‌های در حال رشد عصر حاضر است که در سال‌های اخیر به معضلی جهانی تبدیل شده است. به عبارت دیگر شکل جدید و امروزی برده‌داری محسوب می‌شود. این نوشتار، قاچاق انسان را در ایران مورد تحلیل و بررسی قرار می‌دهد. بررسی جنبه‌های قاچاق انسان در محورهای چهارگانه‌ی قاچاق زنان و دختران، قاچاق کودکان، قاچاق اعضای بدن و سرانجام بهره‌کشی از نیروی کار، از سایر موضوعاتی است که به تفصیل به آن پرداخته شده است. علل و انگیزه‌های قاچاق انسان در ایران و پیامدهای ناشی از آن و بررسی جغرافیایی قاچاق انسان از سایر مواردی است که در پژوهش حاضر مورد کنکاش قرار گرفته‌اند. نتیجه‌ی این پژوهش نشان می‌دهد که زنان و دختران تقریباً قربانیان همیشگی قاچاق انسان هستند و به دنبال آن مردان و پسران در رتبه‌های بعدی قرار دارند. نکته‌ی مهم این که حجم کمی از قاچاق انسان شناسایی و قابل پی‌گیری است، که این

۱- دکترای جغرافیای سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات

وضعیت در عوامل آشکار و پنهان این پدیده جست‌وجو می‌شود. قربانیان قاچاق که اکثر آن‌ها زنان و کودکان هستند، به وسیله‌ی زور، فریب یا ارباب ناچار می‌شوند به شرایط غیر انسانی تن بدهند و بدون توجه به شکل بی‌رحمانه‌ی بردگی، در ترس و درماندگی زندگی کنند. بردگی داخلی و کار اجباری، از جمله شکل‌های بهره‌کشی از انسان است؛ اما اکثریت قربانیان به بردگی جنسی کشانده می‌شوند.

واژگان کلیدی

قاچاق انسان، برده‌داری، قاچاق زنان و دختران، کودکان، اعضای بدن، بهره‌کشی از نیروی کار، قربانی.

بیان مسئله

قاچاق انسان یکی از پدیده‌های در حال رشد عصر حاضر است که به عبارتی، شکل جدید و امروزی برده‌داری محسوب می‌گردد. به علت تغییرات سریع در شکل و میزان پیچیدگی این پدیده، در تمامی کشورهای جهان احساس می‌شود. به این نکته نیز باید توجه داشت که افزایش قاچاق انسان در جهان، به دلیل سودآوری کلان آن است.

سازمان ملل معتقد است که قاچاق انسان پس از قاچاق مواد مخدر و اسلحه، سومین تجارت کثیف ولی پرسود در دنیاست. این عمل جنایت‌کارانه بیش‌ترین و سریع‌ترین رشد را به خود اختصاص داده است؛ زیرا شمار افرادی که در این جنایت دخیل هستند، قابل توجه است. منافی است که عاید سازمان‌های جنایت‌کار می‌گردد فراوان و ماهیت این جرایم چندمنظوره است؛ زیرا فقط به بهره‌برداری جنسی محدود نمی‌شود بلکه جنبه‌ی اقتصادی هم داشته و نوعی برده‌داری کلاسیک نیز می‌باشد.

شواهد نشان می‌دهد کشور جمهوری اسلامی ایران، به دلیل موقعیت ویژه و قرارگیری در یک منطقه‌ی خاص جغرافیایی درگیر مسائل ناشی از قاچاق انسان بوده است. این وضعیت همواره امنیت روانی، فردی و امنیت اجتماعی جامعه را با چالش روبه‌رو می‌سازد. حال پرسش این است که: وضعیت قاچاق انسان در ایران چگونه است؟ پیامدهای ناشی از آن چه تاثیری بر ساختارهای اجتماعی جامعه خواهد گذاشت؟ مهم‌ترین معضلات و پیامدهای ناشی از قاچاق انسان در ایران در چه سطوحی بروز می‌یابد و راهکار اصلی در جهت کنترل آن کدام است؟

روش انجام پژوهش

این پژوهش به روش تحلیل محتوا صورت گرفته است. در تنظیم پژوهش از روش اسنادی و کتابخانه‌ای استفاده شده است. در این تحقیق هم‌چنین به کلیه‌ی اسناد ملی و بین‌المللی، هم‌چنین ارائه‌ی مستندات موجود، به‌ویژه پروتکل‌های سازمان ملل پرداخته شده است. البته قابل ذکر است که در تحقیقی با این محتوا بایستی، از روش پرسش‌نامه‌ای و مصاحبه‌ای نیز استفاده می‌شد که متأسفانه به علت ماهیت پیچیده و پنهان قاچاق انسان، در این پژوهش به طور کامل قادر به انجام روش فوق نبوده‌ایم؛ ولی از مصاحبه‌هایی که توسط سایر مراکز انجام گرفته است، مطالبی جمع‌آوری و در تحقیق گنجانده شده است.

تعریف مفاهیم کلیدی تحقیق

قاچاق انسان: حرکت دادن غیر قانونی و مخفیانه‌ی اشخاص در عرض مرزهای ملی، عمدتاً از کشورهای در حال توسعه و کشورهای دارای اقتصاد در حال گذار، با هدف نهایی واداشتن زنان و دختران به وضعیت‌های بهره‌کشانه و ستمگرانه از لحاظ جنسی و اقتصادی به منظور سود به‌کارگیرندگان، قاچاقچیان و سندیکا‌های جنایت‌کار و نیز دیگر فعالیت‌های مرتبط با قاچاق، همچون کار خانگی اجباری، ازدواج دروغین، استخدام مخفیانه و فرزندخواندگی دروغین (سازمان ملل، ۲۰۰۰).

جرائم سازمان یافته: جرائمی هستند که توسط گروه یا افراد خاصی کنترل و حمایت شده و شعاع آن‌ها در سطح یک کشور و یا حتی در سطح بین‌الملل است (پیشگاهی فرد، ۱۳۸۶:۳۵).

فمنیست: فمنیست کسی است که معتقد باشد زنان به دلیل جنسیت، گرفتار تبعیض هستند. فمنیست معتقد است زنان نیازهای مشخصی دارند که نادیده و ارضانگشته می‌مانند. لازمه‌ی ارضای این نیازها تغییری اساسی در نظام اجتماعی، اقتصادی و سیاسی است (مهریزی، ۱۳۸۷:۳۰).

مهاجرت: مهاجرت، شکلی از تحرک جغرافیایی یا مکانی جمعیت است که بین دو واحد جغرافیایی انجام می‌گیرد. این تحرک باید به تغییر محل اقامت معمولی فرد از مبدا یا محل اقامت قبل از مهاجرت وی، به مقصد یا محل اقامت جدید بینجامد (زنجانی، ۱۳۸۰:۱).

قاچاق انسان در اسناد منطقه‌ای

حساس‌ترین منطقه در مورد قاچاق انسان، قاره‌ی آسیا به‌ویژه کشورهای واقع در جنوب شرق و جنوب شرقی آسیاست که به علت وفور جمعیت و اقتصاد ناکارآمد نسبت به سایر مناطق دنیا به میزان بیش‌تری درگیر این پدیده می‌باشد. قاچاق انسان به‌ویژه زنان و کودکان در این منطقه به صورت یک صنعت پررونق درآمدی است. در برخی از این کشورها مانند تایلند و اندونزی، صنعت سکس‌بخشی از درآمد سالانه را تشکیل می‌دهد. این امر نه تنها سبب رواج قاچاق انسان از آسیا به کشورهای دیگر قاره‌ها شده، بلکه در خود منطقه نیز به تبادل انسان‌ها منجر گشته است. به عنوان نمونه، گرچه تعیین تعداد دقیق زنان و کودکان ویتنامی که قربانی قاچاق می‌شوند مشکل است، اما آمارهای موجود مبین آن است که شمار زیادی از این افراد برای بهره‌کشی در صنعت سکس به کامبوج قاچاق شده‌اند و هزاران نفر از آنان به همین منظور به صورت غیر قانونی به چین، تایلند، سنگاپور، کره‌ی جنوبی و تایوان منتقل شده‌اند (unicef, jun18, 2003, p1).

از آن‌جا که مبارزه‌ی موثر با این معضل نیازمند همکاری منطقه‌ای نیز می‌باشد، به همین منظور، کشورهای منطقه کوشیده‌اند تا با تشریح مساعی یکدیگر، اقداماتی برای رفع قاچاق انسان به‌ویژه زنان و کودکان انجام دهند. از جمله‌ی اقدامات عبارت‌اند از: طرح عملی ابتکارات منطقه‌ای آسیا برای مقابله با قاچاق زنان و کودکان^۲، کنفرانس بالی، اعلامیه‌ی اتحادیه‌ی ملل جنوب شرقی آسیا (<http://aseansec.org/2822html>).

اقدامات و اسناد منطقه‌ای کشورهای اروپایی

متأسفانه پس از فروپاشی کمونیسم، به دلیل کاهش مراقبت‌های مرزی، تجارت زنان و کودکان اروپای شرقی، مرکزی و هم‌چنین جمهوری‌های شوروی سابق افزایش چشم‌گیری پیدا کرده است. تعداد بردگان جنسی در اتحادیه‌ی اروپا تا نیم میلیون نفر تخمین زده می‌شود که حداقل دو سوم این زنان از اروپای شرقی و یک سوم دیگر از اتباع کشورهای در حال توسعه، قاچاق شده‌اند. کشورهای اروپایی همچون سایر مناطق برای پیش‌گیری، و مبارزه با این پدیده‌ی غیر انسانی اقدام کرده‌اند، و اسناد منطقه‌ای متعددی در این زمینه به

تصویب رسیده‌اند. این مبحث به بررسی برخی از مهم‌ترین و جدیدترین اسناد و تعهدات مذکور اختصاص دارد.

پیمان‌استوار کشورهای جنوب‌شرقی اروپا (human trafficking.org 1999)؛ گروه کاری کشورهای اروپایی حوزه‌ی بالتیک شمالی علیه قاچاق انسان (www.against,trafficking.org)؛ بیانیه‌ی بروکسل در پیش‌گیری و مبارزه با قاچاق انسان؛ کنوانسیون اروپایی مبارزه علیه قاچاق انسان.

قاچاق انسان در اسناد بین‌المللی:

همان‌طور که می‌دانیم قاچاق انسان پدیده‌ای نیست که تنها به عصر کنونی و یکی دو دهه‌ی اخیر محدود گردد؛ لذا از دهه‌های پیشین اقدامات بسیاری در سطح بین‌المللی برای پیش‌گیری و سرکوب قاچاق انسان انجام شده است. این اقدامات عمدتاً در غالب معاهدات و اسناد بین‌المللی صورت گرفته است. اسناد بین‌المللی که به مسئله‌ی قاچاق انسان اشاره دارند را می‌توان به دو دسته تقسیم نمود. برخی از این اسناد به گونه‌ای فرعی و غیرمستقیم به موضوع قاچاق انسان اشاره نموده و آن را ممنوع کرده‌اند. از جمله‌ی این اسناد، معاهدات راجع به الغای بردگی می‌باشند. قاچاق انسان رابطه و نسبت نزدیکی با برده‌داری و تجارت برده دارد؛ به همین دلیل از آن به عنوان برده‌داری معاصر یاد می‌کنند. این اسناد عبارت‌اند از:

۱. کنوانسیون منع بردگی، مصوب ۱۹۲۶ میلادی.
 ۲. قرارداد تکمیل منع بردگی و برده‌فروشی و عملیات و ترتیباتی که مشابه بردگی است، مصوب ۱۹۲۶ میلادی.
 ۳. اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر (ماده‌ی ۴).
 ۴. میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، مصوب ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶.
 ۵. اساس‌نامه‌ی دیوان کیفری بین‌المللی.
- هم‌چنین کنوانسیون راجع به زنان به‌ویژه کنوانسیون رفع تبعیض از زنان، و اسناد و کنوانسیون‌های راجع به کودکان به‌ویژه کنوانسیون حقوق کودک و پروتکل اختیاری آن که به گونه‌ای فرعی به بحث قاچاق انسان در درون مباحث کلی‌تر اشاره داشته‌اند.
- دسته‌ی دوم، اسنادی هستند که به‌طور اختصاصی به موضوع قاچاق انسان مرتبط هستند

و دارای مفادی راجع به پیش‌گیری، سرکوب قاچاق، و حمایت از بزه‌دیدگان و همکاری‌های بین‌المللی می‌باشد. دقت در مفاد آن‌ها ما را از اقدامات انجام‌شده و کاستی‌ها و نواقص آن‌ها آگاه می‌نماید، از جمله‌ی این اسناد عبارت‌اند:

مقاوله‌نامه‌ی بین‌المللی ۱۸ می ۱۹۰۴ برای مبارزه با خرید و فروش سفیدپوستان^۳؛ قرارداد بین‌المللی راجع به جلوگیری از خرید و فروش سفیدپوستان، مصوب ۴ می ۱۹۱۰؛ پروتکل اختتامیه‌ی قرارداد ۱۹۱۰ (نوربهار، ۱۳۸۷: ۲۴۴)؛ قرارداد بین‌المللی راجع به جلوگیری از معامله‌ی نسوان کبیره، مصوب ۱۱ اکتبر ۱۹۳۳؛ کنوانسیون سرکوب قاچاق اشخاص و بهره‌کشی از روسپیگری دیگران، مصوب ۲ دسامبر ۱۹۴۹ (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۷۹: ۵۶)؛ پروتکل پیش‌گیری، سرکوب و مجازات اشخاص به‌ویژه زنان و کودکان؛ قرارداد تکمیلی منع بردگی و برده‌فروشی، و عملیات و دستگاه‌های مشابه بردگی، مصوب ۱۹۵۶؛ کنوانسیون رفع کلیه‌ی اشکال تبعیض علیه زنان، مصوب ۱۹۷۹؛ کنوانسیون حقوق کودک، مصوب ۱۹۸۹؛ اساس‌نامه‌ی دیوان کیفری بین‌المللی، مصوب ۱۹۹۸، (صادقی، ۱۳۸۲: ۲۲۸)؛ کنوانسیون شماره‌ی ۱۸۲ سازمان بین‌المللی کار، مصوب (۱۹۹۲) (<http://nhaquanglan1,0catch.com>)؛ کنوانسیون سازمان ملل علیه جرائم سازمان‌یافته‌ی فراملی؛ پروتکل اختیاری کنوانسیون حقوق کودک، مصوب (۲۰۰۰).

قاچاق انسان در آیین‌های آمار و ارقام جهانی

از مهم‌ترین مشکلات موجود در راه مبارزه با قاچاق، عدم اطلاع دقیق از میزان شیوع و گستردگی آن است؛ به‌گونه‌ای که در تمامی آمارهای ارائه‌شده در متن پیش‌رو، از واژگان "نخمين زده می‌شود" و یا "هزاران" استفاده می‌شود. بنا بر آمارهای سازمان ملل هر ساله حدود ۲ میلیون نفر در سراسر دنیا قاچاق می‌شوند. در این میان کشورهای آسیای جنوب شرقی با بیش از ۷۰۰ هزار نفر، بیش‌ترین آمار را در مناطق مبدا، و اروپای غربی با پذیرش ۵۰۰ هزار نفر بیش‌ترین آمار را در مناطق مقصد قاچاق انسان را به خود اختصاص داده‌اند (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، شماره‌ی ۸۱۷۲).

در میان کشورهای جهان، سه کشور تایلند، فیلیپین و برزیل به عنوان مهم‌ترین کشورهای مبدا قاچاق شناخته شده‌اند (global report on crime and justice united nations, 1999, p225).

در کشورهای افریقایی، وسعت قاچاق، در منطقه بالا نیست؛ ولی بر اساس آمار یونیسف در سال‌های اخیر با گسترش فقر و مهاجرت از نواحی روستایی به شهری و افزایش تعداد توریست، قاچاق کودکان در این منطقه نیز افزایش یافته است. بر مبنای این آمار سودان، کنیا و لیبی در صدر کشورهای هستند که با این پدیده روبه‌رو می‌باشند. الجزایر مهم‌ترین کشور است که قاچاقچیان برای گذر خود انتخاب می‌کنند. در واقع این کشور محل ترانزیت و قاچاق کودکان به اروپاست. استفاده از کودکان تنها به کشورهای فقیر و جهان سوم اختصاص نیافته، بلکه در کشورهای ثروتمند نیز بهره‌برداری از کودکان شایع است. بر اساس آمار موجود ۲۰۰ هزار کودک در امریکا به فحشا مشغول هستند (مرکز پژوهش‌های مجلس، شماره‌ی ۸۱۷۲). بر مبنای اطلاعات این دفتر، تمامی کشورها به نحوی درگیر قاچاق انسان هستند. در گزارش مرجع مذکور، آمده است که ۱۲۷ کشور به عنوان کشورهای مبدأ، ۹۸ کشور به عنوان کشورهای محل ترانزیت و ۱۳۷ کشور به عنوان کشورهای مقصد شناخته شده‌اند (مرکز پژوهش‌های مجلس شماره‌ی ۸۱۷۲).

یافته‌های پژوهش در علل بروز گسترش قاچاق انسان

در تحقیقی که اتحادیه‌ی اروپا بر روی مسائل قاچاق انسان صورت داده است، این نتایج را می‌توان به طور علمی در مسائل و مشکلات ناشی از قاچاق در سایر نقاط دنیا و ایران پیاده نمود. در این مبحث، عللی که منجر به بروز گسترش پدیده‌ی قاچاق انسان می‌شود، با تکیه بر نظرات جرم‌شناختی و جامعه‌شناختی مورد بررسی قرار می‌گیرد. این علل را می‌توان به علل فرهنگی - اجتماعی، علل اقتصادی و علل حقوقی تقسیم کرد.

علل فرهنگی - اجتماعی

این علت‌ها عبارت‌اند از: تغییر ارزش‌ها و گسترش فرهنگ مادی‌گرایی (ممتاز، ۱۳۸۱: ۷۲)؛ گسترش خرده‌فرهنگ‌های منحرف؛ فقدان فرصت‌های آموزشی؛ وجود آماج حمایت‌نشده؛ بحران و ناامنی.

۴- جامعه‌شناسان و جرم‌شناسان آمریکای شمالی به مطالعه‌ی اوضاع و احوالی که گذر به عمل مجرمانه را تسهیل می‌کند، پرداخته‌اند. اینان نقش مهمی برای "آماج" قائل هستند. خطر گذر به عمل مجرمانه‌ی ناشی از ایجاد ارتباط بین یک نشانه‌ی فریبده‌ی بدون محافظ، با یک مجرم بالقوه‌ای است که عموماً با تحلیل راهبردی منافع و خطرات، به این عمل می‌پردازد. چنانچه آماج به شیوه‌های دفاعی و تهاجمی به‌خوبی مورد حفاظت قرار بگیرد، خطر گذر به عمل مجرمانه کاهش می‌یابد. در زمینه‌ی قاچاق انسان باید به وجود دختران و زنان فراری و کودکان خیابانی اشاره کرد که به دلیل ناآگاهی کافی از خطر و مشکلات بزرگی که در کمین آن‌هاست، به راحتی و ظرف مدت زمان کوتاهی وارد باندهای قاچاق انسان گردیده و صدمات شدید جسمی و روحی به آن‌ها وارد می‌گردد (معظمی، ۱۳۸۲: ۵).

علل اقتصادی

سودآوری کلان؛ فقر و بی‌کاری؛ و افزایش تقاضای خدمات جنسی از علت‌های اقتصادی هستند (السان ۱۳۸۴: ۲۴۴).

علل حقوقی

مشکل بودن اثبات جرم؛ خلا قانونی؛ فساد نهاد تعقیب و رسیدگی؛ قانونی شدن روسپیگری و صنعت سکس؛ و توريسم جنسی از دیگر عوامل شکل‌گیری قاچاق هستند.

انگیزه‌های قاچاق

تحقیقات اخیر کمیسیون اروپا، نشان داد که هنوز آمار قابل اعتمادی در مورد قاچاق انسان در دست نیست و این به‌رغم فعالیت‌های سازمان‌های گوناگون غیر دولتی؛ ارگان‌های قضایی؛ سرویس‌های مهاجرتی و دیگر تشکل‌های دولتی، منطقه‌ای و بین‌المللی در این زمینه است. گزارش موجود، نتیجه‌ی تحقیق این کمیسیون در سه کشور عضو اتحادیه‌ی اروپا یعنی بلژیک، ایتالیا و هلند در زمینه‌ی مبارزه و جلوگیری از قاچاق انسان است. با توجه به این‌که به‌دست آوردن اطلاعات از قربانیان برای رسیدن به هدف در چنین تحقیقاتی الزامی است (گزارش کمیسیون اروپا در زمینه‌ی قاچاق انسان ۲۰۰۶)، انگیزه‌ی این قربانیان برای تن‌دادن به این کار عبارت بوده است از:

نیاز به پول برای رفع نیازهای نخستین؛

پول برای خانواده؛

کار؛

پول برای داشتن زندگی شیک‌تر؛

ماجراجویی؛

آینده‌ی بهتر؛

آدم‌ربایی؛

اعتیاد؛

یافتن شرایط بهتر با کارکردن به عنوان یک روسپی؛

بی‌ثباتی سیاسی در کشور خود (گزارش کمیسیون اروپا به نقل از سایت آفتاب؛ ترجمه‌ی

سبوح شهلائی).

پیامدهای قاچاق انسان

قاچاق انسان آثار و پیامدهای وخیمی را به دنبال دارد که آگاهی از آن، زمینه‌ی درک عمق فاجعه و لزوم اتخاذ تصمیم دولت‌ها برای پاسخ‌گویی به این معضل جهانی را فراهم می‌آورد. این پیامدها را می‌توان به سه دسته تقسیم نمود:

۱. پیامدهای بهداشتی و اجتماعی:

آلوده‌نمودن بهداشت محیط و اشاعه‌ی بیماری‌های مقاربتی مانند سوزاک و سفلیس یا ابتلا به ویروس مرگبار ایدز، سلامت و پایداری کل جامعه را به خطر می‌اندازد و به مانعی جدی در برابر توسعه و رشد اجتماعی مبدل می‌شود. هر ساله میلیون‌ها انسان بر اثر بیماری ایدز کشته می‌شوند.

این بیماری باعث از هم‌گسیختگی و فقر خانواده‌ها؛ تضعیف نیروی کار؛ و یتیم‌شدن میلیون‌ها کودک می‌شود و بافت اجتماعی اقتصادی جوامع، هم‌چنین ثبات سیاسی ملت‌ها را تهدید می‌کند.

تحقیقات مجله‌ی انجمن پزشکی آمریکا روی ۲۸۷ زن و دختر نپالی که بین سال‌های ۱۹۹۷ تا ۲۰۰۵ به هند قاچاق شده و بازگشته بودند، نشان داد که ۴۰ درصد آن‌ها آلوده به ویروس HIV هستند. این آمار در میان افرادی که قبل از ۱۵ سالگی قاچاق شده بودند، حدود ۶۰ درصد بود. یافته‌های این تحقیق در این منطقه، گمانه‌زنی قبلی درباره‌ی این‌که قاچاق انسان می‌تواند یک عامل کلیدی در گسترش HIV و تبدیل آن به یک اپیدمی در جنوب آسیا باشد را، تأیید می‌کند (معظمی ۱۳۸۱:۱۵۳).

قاچاق انسان علاوه بر ابتلا به بیماری‌های جسمانی، پیامدهای روانی نیز دارد. با توجه به این‌که قربانیان با زور و رعب و وحشت وادار به خواسته‌های قاچاقچیان می‌شوند، از آمادگی بالایی برای بروز اختلالات روانی برخوردار می‌باشند. اختلالات اضطرابی به صورت حملات وحشت‌زدگی؛ ترس‌های مرضی ساده؛ ترس از تاریکی و سایر اختلالات روانی بروز می‌نماید. ابتلای قربانیان به اختلال استرس پس از سانحه، می‌تواند سال‌های سال به تداوم روان‌رنجوری آن‌ها منتهی شود.

۲. پیامدهای حقوق بشری:

تجاوز به حقوق انسانی قربانیان و اقسام سوء استفاده از آنان از پیامدهای ناگوار قاچاق انسان می‌باشد. اصولاً قاچاق انسان با طبیعت پست و استثمارگری آن مشخص می‌شود و متضمن نقض حقوق بشر می‌باشد. همان‌طور که در مباحث پیشین ذکر گردیده، ماهیت قاچاق به‌گونه‌ای است که از آن به‌عنوان بردگی معاصر یاد شده است. در حالی که مطابق اعلامیه‌ی حقوق بشر هر کسی حق زندگی، آزادی و امنیت شخصی دارد، قربانیان قاچاق از هیچ یک از حقوق مذکور برخوردار نمی‌باشند. این قربانیان به‌مثابه‌ی کالا خرید و فروش می‌شوند و از خود اختیار و استقلالی ندارند. قربانیان مذکور به انواع مختلف (استثمار جنسی؛ کار اجباری؛ ازدواج اجباری؛ و استفاده از اعضای بدن آن‌ها به بردگی کشانده می‌شوند. به بردگی گرفتن انسان‌ها از مصادیق بارز نقض حقوق بشر است. بزه‌دیدگانی که به منظور بهره‌کشی جنسی قاچاق می‌شوند، برای قبول تن‌فروشی به دفعات مورد تعرض و ضرب و شتم قرار گرفته، از ساده‌ترین امکانات محروم می‌شوند و مورد اهانت قرار می‌گیرند و یا به اجبار معتاد می‌گردند تا مقاومت آن‌ها در برابر خواست مالکانشان در هم شکسته شود. آمارها حاکی از آن است که بالاترین رقم کشته‌شدگان را همین گروه دارا می‌باشند. این در حالی است که در اسناد بین‌المللی در مورد حقوق بشر، بارها شکنجه، مجازات یا رفتاری که ظالمانه و یا برخلاف انسانیت و شئون بشری باشد، منع گردیده است.

۳. پیامدهای اقتصادی و سیاسی:

ارتکاب جرم و وضعیت اقتصادی هر جامعه با هم ارتباط تنگاتنگ داشته و تأثیر متقابلی بر روی هم می‌گذارند؛ به این معنی که میزان رشد اقتصادی و رشد بی‌کاری بر میزان و نوع جرم ارتكابی در هر جامعه تأثیر می‌گذارد و ارتکاب جرم نیز متقابلاً ممکن است بر ساختار اقتصادی و میزان رشد و توسعه‌ی اقتصادی تأثیرگذار باشد. درآمدهای زیاد گروه‌های جنایت‌کار سازمان‌یافته از جمله باندهای قاچاق انسان که از ارتکاب جرم حاصل می‌شود، در بازارهای جهانی تطهیر می‌گردد و امنیت سیستم‌های مالی و اقتصادی جهانی را تهدید می‌کند؛ لذا می‌توان گفت تطهیر درآمدهای نامشروع که طبق کنوانسیون پالرمو از جنایات سازمان‌یافته‌ی فراملی است، از پیامدهای قاچاق انسان می‌باشد که اثرات نامطلوبی بر اقتصاد کشورها بر جای می‌گذارد.

بررسی جنبه‌های قاچاق انسان الف) قاچاق زنان و دختران

کارشناسان سازمان دفاع از قربانیان خشونت، از افزایش قاچاق زنان و دختران در استان‌های مرزی کشور و روند صعودی سن قاچاق دختران به کم‌تر از ۱۴ سال خبر دادند. هم‌چنین یافته‌های تحقیقی که در سال ۸۲ با همکاری مشترک مرکز امور مشارکت زنان و سازمان دفاع از قربانیان خشونت انجام شده است، بیانگر روند رو به افزایش قاچاق زنان و دختران استان‌های مرزی به کشورهای حاشیه‌ی خلیج فارس، پاکستان، افغانستان و به طور محدود به کشورهای اروپایی و آسیایی بوده است (سازمان دفاع از قربانیان خشونت ۱۳۶:۱۳۸۲).

ب) قاچاق کودکان

قاچاق کودکان یکی دیگر از اشکال قاچاق انسان است که می‌تواند جنایت علیه بشریت و نسل‌کشی محسوب شود. شیوه‌ی قانونی^۵، و شیوه‌ی غیر قانونی^۶، دو شکل اصلی قاچاق کودکان در سطح بین‌الملل هستند (<http://www.hayat.iry/lang>) که در قالب اهداف زیر شکل می‌گیرد: استعمار از طریق کار اجباری؛ بهره‌کشی و فحشا؛ پورنوگرافی؛ پدوفیل‌ها؛ قطع اعضای کودکان و فروش آن (گزارش همایش حقوق کودک در دانشگاه تهران؛ سه‌شنبه؛ ۱۸ مهر ۱۳۸۵).

استفاده‌ی ارزان از نیروی کار کودکان نمونه‌ی دیگری از اشکال مدرن بردگی در جهان کنونی محسوب می‌شود. این مورد به کودکانی اشاره دارد که در بدترین شرایط به کار گمارده می‌شوند. در حال حاضر ده‌ها میلیون کودک به صورت تمام‌وقت در کارگاه‌ها و کارخانه‌ها مشغول به فعالیت هستند که این امر نه تنها آن‌ها را از آموزش، بلکه از سایر پیشرفت‌های اجتماعی محروم می‌سازد (یونیسف، ۲۰۰۶).

ج) قاچاق اعضای بدن (اعضا و جوارح).

۵- در این روش، تجارت کودک به صورت منظم و تحت نظارت مؤسسات دولتی یا خصوصی کشورهای غربی قرار دارد. این مؤسسات، ظاهراً براساس ضوابط معین اقدام به یافتن فرزندان از جهان سوم برای زوج‌های درخواست‌کننده می‌کنند. وجود این مؤسسات و قوانین برای حفظ ظاهر مشروعیت یک عمل نامشروع می‌باشد.

۶- دلالتان کودک با به‌کار بستن ترفندهای گوناگون در کشورهای جهان سوم، اقدام به دزدی؛ ربودن؛ خریدن و یا حتی سفارش کودک نموده و سپس آن‌ها را به روش‌های مختلف به کشورهای دیگر وارد می‌کنند. رایج‌ترین شکل تهیه‌ی کودک برای عرضه در بازار آزاد سرمایه‌داری، بچه‌دزدی است.

انتظار طولانی مدت برای دریافت عضوی از اعضای بدن از طرف بیماران ثروتمندی که نیازمند پیوند عضوی سالم بودند، یکی از مهم‌ترین دلایل رونق تجارت اعضای بدن انسان شد. از آنجا که اغلب قوانین کشورهای مختلف جهان، خرید و فروش اعضای بدن انسان را ممنوع اعلام کرده است، این بازار به‌طور غیر قانونی شکل گرفت و قاچاقچیان اعضای بدن، آن را سازمان‌دهی کردند. با توجه به نبود بیانیه‌های قابل اعتماد در مورد میزان تجارت قاچاق اعضای بدن انسان و حجم پیوند اعضا، می‌توان این بازار سیاه را به سه بخش اصلی تقسیم کرد:

بخش نخست

در این بخش، بازار قاچاق انسان به افراد زنده اختصاص دارد. جنایت‌کاران به سوء استفاده از افراد فقیر و متقاعد کردن آنان به فروش اعضای بدن خود در برابر مبلغ ناچیزی پول می‌پردازند. این نوع از قاچاق در برخی کشورها مانند هند، برزیل و سایر کشورهای فقیر رواج بیش‌تری دارد.

بخش دوم

در این بخش، بازار قاچاق اعضا، به افراد مرده اختصاص دارد؛ بدین صورت که باندهای جنایت‌کار قاچاق اعضا، در انتظار مرگ اشخاص هستند. این افراد پس از پایان مراسم تدفین اقدام به خارج کردن جسد از قبر کرده و برخی از اعضا و بافت‌های بدن وی را جدا می‌کنند. این اعضا و بافت‌ها به منظور پیوند فروخته نمی‌شوند؛ بلکه هدف از فروش آن‌ها تحقیقات علمی و سایر مقاصد تجاری است.

بخش سوم

در این بخش تجارت اعضای بدن انسان، ظالمانه‌تر از دو بخش قبلی است؛ بدین صورت که باندهای جنایت‌کار با ربودن اشخاص به‌ویژه کودکان، آنان را بی‌هوش کرده و اعضای بدنشان را در حالی که زنده هستند، از بدن‌هایشان جدا می‌کنند (<http://www.fakauhi.com/node/1314>).

(د) بهره‌کشی از نیروی کار

از آنجا که کار اجباری از مصادیق قاچاق و بهره‌کشی است، تعیین حداقل سن مناسب که جلوی هرگونه سوء استفاده را بگیرد، دارای اهمیت خاصی است. در اسناد بین‌المللی

پیشین‌تر، حداقل سن کار پایین بود؛ به‌گونه‌ای که در برخی از اسناد، سن کار ۱۶ سال تعیین شده بود؛ ولی کنوانسیون شماره‌ی ۱۸۲ سازمان بین‌المللی کار به‌عنوان آخرین سند تنظیمی در این حوزه، سن ۱۸ سال را به‌عنوان حداقل سن کار کودکان تعیین کرده است. تعیین این سن به دلیل آن است که شخص علاوه بر توانایی فکری، تشخیص درست یا نادرست بودن کار را نیز داشته باشد.

صندوق حمایت از کودکان سازمان ملل متحد (یونیسف)، اعلام کرد: یک‌ششم کودکان در جهان جزو کودکان کار هستند. کودکان در رده‌ی سنی پنج تا ۱۴ سال، توسط عاملان دارای قدرت، در کشورهای مختلف خرید و فروش شده و به کار گمارده می‌شوند. طبق آمارهای سازمان بین‌المللی کار، یونیسف و سازمان ملل، ۲۴۶ میلیون کودک در جهان به دلیل شرایط بد اقتصادی مجبور به کار در شرایط دشوار هستند. از این تعداد ۶۱ درصد در آسیا، ۳۲ درصد در آفریقا و ۷ درصد در آمریکای لاتین به کار گرفته شده‌اند. هر چند در ظاهر، کار کودکان، معضل و پدیده‌ای مربوط به کشورهای به‌اصطلاح در حال توسعه و جهان سومی است، ولی با کمی دقت، نقش انحصارات امپریالیستی و شرکت‌های چندملیتی را در استثمار کار کودکان می‌توان مشاهده کرد. بسیاری از شرکت‌های چندملیتی در هندوستان، پاکستان، بنگلادش، فیلیپین، مکزیک، برزیل در بهره‌کشی از نیروی کار ارزان کودکان کارگر این کشورها نقش دارند.^۷

کودکان کارگر خیابانی برای نخستین‌بار در سال ۱۳۷۲-۱۳۷۳ در خیابان‌های تهران و برخی شهرهای بزرگ کشور (به‌صورت گسترده‌تر دیده شدند)؛ کودکانی در رده‌های سنی گوناگون که بیش‌تر در پارک‌ها و چهارراه‌های شلوغ و پررفت‌وآمد به دست‌فروشی یا کارهای خدماتی پیش پا افتاده می‌پردازند (دفتر یونیسف در ایران، ۱۳۷۷). آن‌ها ساعت‌های بسیار در طول روز در پی برآوردن نیازهای پایه‌ای خود و خانواده‌شان در خیابان‌ها پرسه می‌زنند. این کودکان برای یاری‌رساندن به خانواده کار می‌کنند، یا تنها نان‌آور خانواده‌اند که اگر کار نکنند خانواده‌شان دچار مشکل سنگین می‌شود (آقابیکلویی، ۱۳۸۰: ۴۵). آمار دقیق از این کودکان در دست نیست و آمارهای رسمی نیز بسیار متفاوت است؛ ولی با وجود متفاوت بودن برآوردها واقعیت انکارناشدنی آن است که روزانه صدها کودک بی‌پشتیبانی والدین و نهادهای مسئول، در خیابان‌ها کار می‌کنند و با آسیب‌های گوناگون جسمی و روحی بر اثر احتمال تصادف؛ آلودگی‌های محیطی؛ بدرفتاری؛ سوء استفاده‌ی جنسی و ...

۷- رجوع شود به سایت سازمان ملل (undp2007 بخش human trafficking)

روبه‌رو هستند (اقلیما، ۱۳۸۷: ۱۸۹).

قاچاق انسان در ایران

قاچاق انسان در ایران منحصر به عصر حاضر نبوده و اسناد تاریخی به جای مانده حکایت از قاچاق زنان ایرانی در دوره‌ی قاجاریه دارد. در اسناد کتاب‌خانه‌ی ملی ۳ هزار سند درباره‌ی قاچاق انسان (به‌ویژه قاچاق زنان) از دوره‌ی قاجاریه وجود دارد که از این میان حدود ۴۰ سند مربوط به دوره‌ی پهلوی دوم و سایر اسناد مربوط به دوره‌ی قاجاریه و پهلوی اول است. از میان این اسناد، خرید و فروش دختران و زنان در منطقه‌ی خلیج فارس و افغانستان بیش‌تر گزارش شده و البته در بعضی مناطق استان‌های سیستان و بلوچستان و خراسان نیز رایج بوده است (ایران‌نیوز؛ شماره‌ی ۸۴۰۱۲۲).

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، وقایعی همچون تجاوز شوروی سابق به افغانستان و مهاجرت تعداد زیادی از اتباع افغانی به ایران، هم‌چنین جنگ تحمیلی عراق علیه جمهوری اسلامی و حضور معاودین عراقی در ایران، به فعال‌شدن باندهای قاچاق انسان منجر شد. در سال‌های اخیر، هم‌زمان با گسترش پدیده‌ی قاچاق انسان در جهان، گزارش‌های بیش‌تری از قاچاق انسان در ایران انتشار یافته است. بر اساس اعلام پلیس امنیت ملی فرماندهی انتظامی تهران بزرگ، قاچاق انسان به صورتی که در کشورهای دیگر انجام می‌شود، در معاونت مذکور سابقه‌ای ندارد؛ اما خروج زنان و دختران جوان به صورت قانونی به کشورهای حاشیه‌ی خلیج فارس از جمله دبی و امارات، و فروش آن‌ها به شیوخ عرب مسبوق به سابقه است. (گزارش فرماندهی انتظامی تهران بزرگ در پاسخ به درخواست اطلاعات مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی درباره‌ی قاچاق انسان ۱۳۸۳/۱۲/۱۰). قاچاقچیان، قربانیان را از کشورهای بنگلادش، افغانستان، و پاکستان به داخل ایران حمل، و سپس به اروپا می‌فروشدند. در سال ۱۳۸۲ نزدیک به ۲۰۰ باند قاچاق انسان در آذربایجان غربی که عمده‌ی آن‌ها در شهرهای ماکو، سلماس و چالدران فعالیت می‌کردند، کشف و متلاشی شدند (www.iran.ir1382/10/30).

هم‌چنین ۱۵۰ هزار نفر که به صورت غیر قانونی در ایران به سر می‌بردند، دست‌گیر شدند (همان، ۱۳۸۴/۲/۲۱). هم‌چنین گزارش‌هایی از قاچاق زنان و کودکان از ایران به کشورهای حاشیه‌ی جنوبی خلیج فارس، افغانستان و پاکستان منتشر شده است. اعضای یک باند قاچاق زنان و دختران ایرانی به پاکستان بر اساس رأی دادگاهی در مشهد در

سال ۱۳۸۳، جمعاً به ۲۸۱ سال حبس، ۲۲۲ ضربه شلاق و ۶۰۰ هزار تومان جزای نقدی و تبعید محکوم شده‌اند. در برخی موارد، احکام صادره با جرائم ارتكابی همخوانی ندارد؛ به‌عنوان مثال، سرکرده‌ی یکی از باندهای قاچاق زنان به ۳ سال حبس محکوم و بقیه نیز به حبس‌های کوتاه‌مدت و تأدیبات جسمی محکوم شدند. (گزارش فرماندهی انتظامی تهران بزرگ در پاسخ به درخواست مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی درباره‌ی قاچاق انسان ۱۳۸۲/۱۲/۱۰).

بنا بر آنچه بیان شد باید گفت: ایران نیز مانند سایر کشورها از این پدیده در امان نمانده است. هر چند آمار دقیقی در این مورد وجود ندارد، ولی آنچه از اخبار برمی‌آید این است که ایران هم به‌عنوان یک کشور ترانزیت و هم به‌عنوان یک کشور مبدا مورد استفاده‌ی قاچاقچیان قرار می‌گیرد. سردار محمدعلی راهنمایی، مدیر کل اتباع خارجی‌هی نیروی انتظامی در مصاحبه با اسکای نیوز اظهار داشت که به‌طور میانگین ماهیانه یک شبکه‌ی قاچاق در ایران کشف می‌شود (مصاحبه‌ی سردار محمدعلی راهنمایی با سایت اسکای نیوز، ۱۳۸۶). به دلیل نگاه امنیتی و سیاسی به این پدیده‌ی فرهنگی و اجتماعی، دستگاه‌های مسئول، از ارائه‌ی آمار دقیق در این مورد خودداری می‌کنند. این امر را می‌توان به وضوح در اخبار کشف شبکه‌های قاچاق، مشاهده کرد. در این اخبار که گاهی از طرف مسئولان انتظامی و قضایی اعلام می‌شود، فقط به بیان صرف کشف شبکه‌های قاچاق (تعداد قاچاقچیان) بسنده می‌شود، بدون این‌که گفته شود که این شبکه‌ها چه تعدادی را قاچاق کرده‌اند. حتی در بعضی از موارد نیز ملاحظه می‌شود اطلاعاتی که در مورد میزان افراد قاچاق شده مطرح می‌شود، سریعاً تکذیب می‌گردد؛ ولی با وجود این نمی‌توان منکر وجود این پدیده شد. بر اساس شواهد موجود، ایران به‌عنوان یک کشور ترانزیت، محل ترانزیت اشخاصی است که از کشورهای شرقی (پاکستان و افغانستان) به اروپا قاچاق می‌شوند. قاچاقچیان افراد را از مرزهای خراسان و سیستان وارد و پس از مسیر طولانی از مرزهای استان‌های آذربایجان خارج می‌کنند.

اشکال متفاوت قاچاق زنان و دختران در ایران

تاکنون تحقیق جامعی در خصوص شیوه‌ها و میزان قاچاق زنان و کودکان در ایران صورت نگرفته است. گاهی در جراید، اخبار پراکنده‌ای در خصوص دست‌گیری برخی اعضای باندهای قاچاق دختران درج می‌شود؛ لیکن برخی، وجود چنین پدیده‌ای را انکار

نموده و معتقدند قاچاق انسان از ایران به خارج از کشور صحت ندارد (هلالی، ۱۳۸۲: ۴۷). سازمان دفاع از قربانیان خشونت در سال‌های اخیر پژوهشی در زمینه‌ی وضعیت و اشکال قاچاق انسان در ایران انجام داده است. بر اساس این پژوهش قاچاق زنان و دختران در ایران به‌طور عمده به دو شکل صورت می‌گیرد:

- قاچاق به پاکستان
- قاچاق به کشورهای حاشیه‌ی خلیج فارس به‌ویژه امارات متحده‌ی عربی

یافته‌های تحقیقی که با همکاری امور مشارکت زنان و کمیته‌ی سازمان دفاع از قربانیان خشونت در سال ۱۳۸۲ انجام شده، بیانگر روند رو به افزایش قاچاق زنان و دختران استان‌های مرزی به کشورهای حاشیه‌ی خلیج فارس، امارات متحده‌ی عربی، پاکستان و افغانستان، و به‌طور محدود به کشورهای اروپایی و آسیایی است.

در سطح بین‌المللی نیز در سال‌های اخیر گزارش‌های بسیاری منتشر شده است که ایران - ترکیه - بالکان را یکی از مسیرهای شناخته‌شده‌ی قاچاق انسان در آسیا می‌دانند (www.bbc.com) هم‌چنین در برخی از گزارش‌های وزارت خارجه‌ی امریکا درباره‌ی قاچاق انسان، به ایران پرداخته شده است. براساس گزارش یادشده، ۱۰ کشور در قاچاق انسان تلاش لازم را نشان نمی‌دهند که عبارت‌اند از: سودان، اکوادور، کروی شمالی، بنگلادش، برمه، کوبا، گینه‌ی استوایی، سیرالئون، ونزوئلا و ایران. نام ایران نخستین بار در این گزارش درج شده و سرچشمه، محل عبور و مقصد شمار مهمی از قربانیان شکل‌های بسیار ناخوشایند قاچاق، دانسته شده است. از ایران خواسته شده است که تضمین دهد که مجازات‌شوندگان، خود جزو قربانیان قاچاق نباشند و برای قربانیان سرپناه امن فراهم شود، هم‌چنین دولت به پلیس برای شناسایی قربانیان و حمایت از آن‌ها آموزش دهد و از مبارزه به‌منظور آگاهی عمومی در نبرد با قاچاق انسان حمایت کند (گزارش سالیانه‌ی وزارت خارجه‌ی امریکا در مورد قاچاق انسان، سال ۲۰۰۶).

ویژگی‌های اصلی قربانیان قاچاق در ایران الف) وضعیت سن

این افراد عموماً بین ۱۴ تا ۲۵ سال دارند. با توجه به سن کم آن‌ها، میزان آسیب‌پذیری‌شان در برابر استثمار و بهره‌کشی‌های مختلف بسیار بالاست و لذا برخورد وسیع و سریع با این

پدیده ضروری است (سازمان دفاع از قربانیان خشونت، ۱۳۸۶).

ب) پایگاه اقتصادی و اجتماعی و وضعیت خانواده

در اکثر موارد کشمکش‌های درون خانواده، اعتیاد والدین، طلاق، مسکن نامناسب، سکونت در مناطق پرجمعیت و حاشیه‌نشینی شهرهای بزرگ موجب می‌شود تا دختران محیط نامساعد خانواده را ترک کرده و به مکان‌های دیگری روی آورند. تعدادی از آن‌ها به دلیل فقر اقتصادی بدین کار اقدام می‌کنند، گاهی نیز پدر خانواده مجبور به فروش دختران خود می‌شود. این قربانیان یا از خانواده‌های کم‌بضاعت و فقیر یا از خانواده‌های طلاق هستند. به نظر می‌رسد امروزه فرزندان زوج‌های طلاق‌گرفته بیش‌تر در معرض خطر گرفتاری در دام قاچاقچیان قرار دارند. البته مواردی از فرار دختران خانواده‌های مرفه نیز گزارش شده است (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، شماره‌ی ۱۳۲۹).

ج) سطح تحصیلات

از آن‌جا که اغلب قربانیان قاچاق از اقشار بسیار فقیر و دختران فراری هستند، از نظر تحصیلی در سطح راهنمایی و دبیرستان و در رده‌ی سنی ۱۵ تا ۱۷ سال هستند. دخترانی که طعمه‌ی باندهای قاچاق می‌شوند افرادی هستند که تحصیلات کم‌تری دارند و با مشکلات مالی گریبان‌گیر هستند و از فقر فرهنگی و ضعف اعتقادات رنج می‌برند. در میان این گروه تعداد اندکی از افراد تحصیل کرده نیز وجود دارد.

قاچاق انسان در حقوق ایران

همان‌طور که اشاره شد، ایران نیز از پدیده‌ی قاچاق در امان نمانده است. در گزارش‌هایی که در هر سال دولت آمریکا در مورد وضعیت قاچاق انسان منتشر می‌کند، ایران از جمله‌ی کشورهای ترانزیت، مبدا و مقصد قاچاق انسان مطرح شده است. علاوه بر این، گزارش‌هایی که کمیسیون مقام زن سازمان ملل متحد درباره‌ی وضعیت زنان در کشورهای مختلف به چاپ می‌رساند به وجود قاچاق زنان و کودکان در ایران و لزوم مبارزه با آن اشاره می‌کند (دفتر برنامه‌ریزی اجتماعی و مطالعات فرهنگی وزارت علوم تحقیقات و فناوری، ص ۳۹). به علاوه اخبار مندرج در رسانه‌های جمعی داخلی نیز حاکی از وجود این پدیده است.

نحوه‌ی اجرای مقررات با منشاء بین‌المللی در حوزه‌ی قوانین داخلی

برای بررسی قوانین موجود داخلی در این حوزه، قبل از همه به مقررات بین‌المللی که از طرف دولت ایران پذیرفته شده است، اشاره خواهد شد. علت این امر آن است که هر چند این مقررات بین‌المللی هستند، ولی طبق ماده‌ی (۹) قانون مدنی، پس از امضا از طرف ایران و تصویب مجلس، در حکم قوانین داخلی محسوب شده و اجرای آن مانند قوانین مصوب مجلس الزامی است. بعضی از اسناد فقط به امضای دولت رسیده و بعضی دیگر علاوه بر امضای دولت، به تصویب مجلس (اعم از مجلس سنا در قبل از انقلاب و مجلس شورای اسلامی بعد از انقلاب)، نیز رسیده‌اند. با توجه به این که برای لازم‌الاجرا شدن یک‌سند، علاوه بر امضای دولت، تصویب مجلس نیز ضروری است، تنها اسنادی که هر دو شرط را دارند، الزامی‌اند.

چگونگی اجرای مقررات با منشاء داخلی

در کنار اسناد بین‌المللی در مورد قاچاق که مورد پذیرش ایران بوده، قوانین داخلی دیگری نیز وجود دارد که در این مورد لازم‌الاجرا هستند. مهم‌ترین قوانین داخلی در این حوزه، عبارت‌اند از: قانون منع خرید و فروش برده در خاک ایران و آزادی برده در موقع ورود به کشور؛ قانون مجازات عمومی ۱۳۰۴؛ قانون مجازات عبوردهندگان اشخاص از مرزهای کشور؛ ماده‌ی ۱۱۷۳ قانون مدنی ایران؛ قانون حمایت از کودکان و نوجوانان؛ و آخرین قانون تصویبی، قانون مبارزه با قاچاق انسان است.

قانون مبارزه با قاچاق انسان

با تصویب قانون مبارزه با قاچاق انسان در سال ۱۳۸۳ مشکلات موجود در راه مبارزه با قاچاق تا حدودی بر طرف شد. در این سال پس از مدت‌ها بحث و جدل و اصرار حقوق‌دانان بر تصویب قانونی درباره‌ی قاچاق انسان و تأکید ایشان بر خلاء قوانین داخلی در این حوزه، وزارت امور خارجه با تأسی از پروتکل پالمو راجع به مبارزه با قاچاق اشخاص به‌ویژه زنان و کودکان، طرحی را آماده کرد. با تصویب این قانون، خلا قانونی در این حوزه رفع، و ایران در صف کشورهای دارای قانون مبارزه با قاچاق قرار گرفت.

نقاط قوت قانون مبارزه با قاچاق انسان

از نکات مهم و جالب توجه این قانون، توجه به یافته‌های جرم‌شناسی و به‌ویژه شاخه‌ی

بزه‌دیده‌شناسی است؛ در حالی که تا قبل از تصویب این قانون از عبارات "مقتول" برای بیان وضعیت اشخاص آسیب‌دیده استفاده می‌شده است. در این قانون در ماده‌ی (۲) برای اولین بار واژه‌ی "بزه‌دیده" مورد استفاده قرار گرفت که البته واژه‌ای بسیار مناسب و بهتر از واژگان نامأنوس قبلی است.

استفاده از عبارت بزه به‌طور سازمان‌یافته در بند ب ماده‌ی ۲ نیز از ابداعات این قانون است. استفاده از این عبارت مؤید این مطلب است که تهیه‌کنندگان لایحه، پروتکل الحاقی به کنوانسیون پالرمو را الگوی خود قرار داده بودند.

تشدید مجازات قاچاق در موردی که فرد قاچاق‌شده کم‌تر از ۱۸ سال تمام داشته باشد، از نکات بارز و بسیار خوب این قانون است. افزایش سیاست افتراقی در جهت حمایت از کودکان کم‌تر از ۱۸ سال نیز از نکات بارز این قانون است؛ در حالی که در اغلب قوانین از لفظ طفل استفاده شده و چتر حمایتی قانون‌گذار تنها به کودکان محدود شده است (یعنی اشخاص کم‌تر از ۱۵ و ۹ سال طبق تبصره‌ی ۱ ماده‌ی ۱۲۱۰ قانون مدنی). این قانون حداکثر سن را به ۱۸ سال افزایش داده است. به نظر می‌رسد این امر به پیروی از پروتکل الحاقی به کنوانسیون پالرمو صورت گرفته است؛ چرا که در بند د ماده‌ی (۲) آن پروتکل، کودک به شخصی اطلاق می‌شود که کم‌تر از ۱۸ سال تمام داشته باشد.

تعریف پذیرفته‌شده در ماده‌ی (۱) نشانه‌ی دیگری از توجه تدوین‌کنندگان لایحه به پروتکل الحاقی به کنوانسیون پالرمو است؛ همان‌طور که پروتکل الحاقی به کنوانسیون پالرمو، به فرامرزی بودن جرم قاچاق تأکید کرده است، بند الف ماده‌ی (۱) نیز با بیان در خارج یا واردساختن یا ترانزیت مجاز یا غیر مجاز فرد یا افراد از مرزهای کشور، به بعد فرامرزی جرم توجه داشته است. مقاصد و اهدافی که برای شمول جرم قاچاق، بیان شده است، نیز این نظر را تقویت می‌کند.

تشدید مجازات با توجه به سمت مرتکب که در ماده‌ی (۴) پیش‌بینی شده است نیز از نکات مهم و مفید این قانون است؛ هرچند هدف تنظیم نامناسب ماده‌ی (۴) مانع تحقق هدف مورد نظر شده است که در ادامه به آن خواهیم پرداخت. این مسئله در مورد ماده‌ی (۵) نیز مصداق دارد. پیش‌بینی مسئولیت کیفری برای اشخاص حقوقی در این ماده، از نقاط قوت این قانون است.

نقاط ضعف قانون مبارزه با قاچاق انسان

با وجود تمام نقاط قوت قانون، ایراداتی نیز بر آن وارد است. برخی از این ایرادات ناشی از تعجیل قانون‌گذاری و اشتباهات نگارشی و تنظیم آن است. بعضی ناشی از عدم توجه به مقررات سابق و تکرار مطالب، برخی ناشی از عدم ارائه‌ی تعاریف مشخص و بعضی نیز ناشی از عدم پیش‌بینی مقررات مناسب و لازم است که عمده‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از: عدم ارائه‌ی تعریف جرم سازمان‌یافته؛ مشروط‌نمودن اعمال مجازات؛ عدم رعایت یک‌نواختی در تمام مواد؛ تکرار مقررات تعدد؛ عدم وضع مقررات برای پیش‌گیری و حمایت بزه‌دیدگان.

جغرافیای قاچاق انسان در ایران

در سال‌های اخیر، هم‌زمان با گسترش پدیده‌ی قاچاق انسان در جهان، گزارش‌های بیش‌تری از قاچاق انسان در ایران انتشار یافته است. بر اساس اعلام پلیس امنیت ملی فرماندهی انتظامی تهران بزرگ، قاچاق انسان به صورتی که در کشورهای دیگر انجام می‌شود، در معاونت مذکور سابقه ندارد؛ اما خروج زنان و دختران جوان به صورت غیر قانونی به کشورهای حاشیه‌ی خلیج فارس از جمله دبی و امارات، و فروش آنان به شیوخ عرب مسبوق به سابقه است.

یافته‌های تحقیقی که با همکاری مرکز امور مشارکت زنان و کمیته‌ی سازمان دفاع از قربانیان خشونت در سال ۸۲ انجام شده است، بیانگر روند رو به افزایش قاچاق زنان و دختران استان‌های مرزی به کشورهای حاشیه‌ی خلیج فارس، امارات متحده‌ی عربی، پاکستان و افغانستان و به طور محدود به کشورهای اروپایی و آسیایی است. قاچاقچیان، قربانیان را از کشورهای بنگلادش، افغانستان، پاکستان به داخل ایران حمل و سپس به اروپا می‌فرستند. در سال ۱۳۸۲، دویست باند قاچاق انسان در آذربایجان غربی که عمدتاً در شهرهای باکو، سلماس و چالدران فعالیت می‌کردند، کشف و متلاشی شدند. هم‌چنین ۱۵۰ هزار نفر که به صورت غیر قانونی در ایران به سر می‌برند، دست‌گیر شدند. همه‌روزه به‌طور متوسط ۱۵۰ هزار تا ۲۰۰ هزار نفر افغانی از معابر غیر رسمی وارد استان سیستان و بلوچستان می‌شوند. جلوگیری از جابه‌جایی غیرمجاز اتباع افغان باعث شده است که افغان‌های فاقد مدارک شناسایی برای تردد از شهری به شهر دیگر در داخل ایران به باندهای قاچاق مراجعه نمایند و پول‌های گزافی به آنان بپردازند (سازمان دفاع از قربانیان خشونت ۱۳۸۲: ۴۲). ایران نیز مانند سایر کشورها از این پدیده در امان نمانده است. هرچند آمار دقیقی در

این مورد وجود ندارد ولی آنچه از اخبار برمی‌آید این است که ایران به‌عنوان یک کشور ترانزیت و هم‌به‌عنوان یک کشور مبدأ، مورد استفاده قرار می‌گیرد. به دلیل نگاه سیاسی و امنیتی به این پدیده‌ی فرهنگی اجتماعی، دستگاه‌های مسئول از ارائه‌ی آمار دقیق در این مورد خودداری می‌کنند.

بر اساس شواهد موجود، ایران به‌عنوان یک کشور ترانزیت اشخاصی است که از کشورهای شرقی مانند پاکستان و افغانستان به کشورهای اروپایی قاچاق می‌شوند. قاچاقچیان این افراد را از مرزهای خراسان و سیستان وارد، و پس از مسیر طولانی از مرزهای غرب و استان آذربایجان غربی خارج می‌کنند.

اما مشکل حادثتر، قاچاق اتباع ایرانی به کشورهای حاشیه‌ی خلیج فارس و پاکستان است. بر عکس مورد قبل که بزه‌دیدگان انواع مختلفی دارند و مردان و زنان و کودکان را شامل می‌شوند، در قاچاق به کشورهای حاشیه‌ی خلیج فارس و پاکستان، بزه‌دیدگان به‌طور عمده زنان و دختران ایرانی هستند.

مبارزه با قاچاق زنان در ایران

ایران از جمله کشورهایی است که خیلی زود از اوایل سده‌ی بیستم با پیوستن به اسناد بین‌المللی موجود علیه قاچاق زنان، قوانینی داخلی را برای مبارزه با آن به تصویب رساند؛ اما بررسی این‌گونه قوانین و نیز پیوستن ایران به اسناد بین‌المللی در این خصوص، از سیر نزولی حکایت دارد. بررسی این قوانین نشان خواهد داد که این سیر نزولی پس از انقلاب نیز در زمینه‌ی پیوستن به اسناد بین‌المللی با شتاب بیش‌تری ادامه یافت.

ایران اسناد ۱۹۲۱، ۱۹۱۰، ۱۹۰۴ و ۱۹۳۳ را امضا کرد و همگام با آن‌ها قوانینی داخلی را نیز به تصویب رساند. پس از این‌ها در ۱۹۴۹ نیز پروتکل اصلاحی را برای تأیید دوباره‌ی سه سند نخست به تصویب رساند؛ اما علی‌رغم این‌که خود ایران جزو امضاکنندگان قطع‌نامه‌ی مجمع عمومی برای تصویب کنوانسیون ۱۹۴۹ بود، بعداً از امضای تصویب خود کنوانسیون خودداری ورزید؛ در واقع سیر نزولی یادشده از همین جا آغاز شد، که بیش‌تر به خاطر رواج فساد اخلاقی و روسپیگری در ایران در زمان پهلوی دوم بود؛ به‌گونه‌ای که امضای کنوانسیون و تعهد بین‌المللی ناشی از آن مستلزم برهم‌زدن بسیاری از سیاست‌ها و برنامه‌های حکومت محمدرضا پهلوی به شمار می‌رفت.

به‌طور کلی پیش از انقلاب اسلامی قوانین نسبتاً مناسبی برای مبارزه با قاچاق وجود

داشت و هرچند مجازات تعیین شده یعنی ۶ ماه تا ۳ سال زندان بسیار نامتناسب و کم‌تر از حد لازم بود، مشکل اصلی به عدم اجرای همان قوانین باز می‌گشت. البته در این قوانین به‌هیچ‌روی خودِ عملِ روسپیگری جرم شناخته نمی‌شد، اما پس از انقلاب اسلامی که قانون مجازات عمومی جای خود را به قانون مجازات اسلامی داد، جامعیت مواد مربوط به قاچاق زنان و بهره‌کشی جنسی از آنان جای خود را به چهارماده‌ی بسیار کوتاه درباره‌ی قوادی و واسطه‌گری داد.

باید در نظر داشت که دیگر انواع قاچاق زنان که برای بهره‌کشی از آنان به‌منظور کار اجباری؛ بیگاری؛ برداشتن اندام‌ها؛ و دیگر اهداف غیر اخلاقی جدای از فساد و فحشا صورت می‌گیرد، با این ماده به‌هیچ‌وجه قابل مجازات نیست. البته باید منتظر ماند و مشاهده کرد که در محاکمه‌هایی که برای رسیدگی به موارد قاچاق زنان در آینده برگزار خواهد شد، دادگاه‌ها چه مواد دیگر قانونی را برای مجازات مرتکبان به کار خواهند برد.

مسئله‌ی دیگر آن است که ایران از امضای پروتکل پیش‌گیری؛ سرکوب؛ و مجازات قاچاق اشخاص به‌ویژه زنان و کودکان بدون توجیه روشنی خودداری ورزید و بدین ترتیب هم‌چنان تنها به اسناد اولیه‌ی مربوط به سرکوب قاچاق انسان ملزم می‌باشد. هم‌چنین چون کنوانسیون ۱۹۷۹ رفع همه‌ی اشکال تبعیض علیه زنان را نیز امضا نکرده است، هیچ تعهد بین‌المللی برای مبارزه با خشونت علیه زنان از جمله قاچاق آنان طبق ماده‌ی ۶ آن سند ندارد.

راهکارهای پیشنهادی:

الحاق به کنوانسیون‌های بین‌المللی و منطقه‌ای راجع به قاچاق در اغلب موارد پدیده‌ای فراملی است. از اموری که می‌تواند در مسیر مبارزه با قاچاق انسان مؤثر باشد، همکاری بین‌المللی و منطقه‌ای در قالب همکاری‌های دوجانبه و چندجانبه است.

در مورد همکاری‌های دوجانبه توافق‌نامه‌ای که به طور خاص در حوزه‌ی قاچاق میان ایران و کشورهای دیگر امضا شده باشد، وجود ندارد. شاید تنها توافق‌نامه‌ی استرداد که میان دولت ایران و برخی از کشورها منعقد شده است، در این زمینه قابل استناد باشد. در این توافق‌نامه فقط به لزوم استرداد مجرمین میان کشورهای طرف معاهده اشاره شده، بدون این‌که اشاره‌ی مستقیمی به بزه‌کاران قاچاق شده باشد.

معاهدات منطقه‌ای که ایران به عضویت آن‌ها در آمده باشد، وجود ندارد؛ چرا که

کنوانسیون سارس در مورد مبارزه با قاچاق انسان متشکل از کشورهای جنوب شرق آسیا و کنوانسیون اروپایی در مورد مبارزه با قاچاق انسان نیز متشکل از کشورهای اروپایی است. آنچه که در این زمینه باقی می‌ماند کنوانسیون‌های بین‌المللی مربوط به این حوزه است. پیش از این بیان شد که ایران به برخی از کنوانسیون‌ها ملحق شده است؛ ولی اسناد مؤخری که در این حوزه به تصویب رسیده‌اند که البته جامع‌تر از اسناد قبلی نیز هستند، هنوز از تصویب دولت ایران نگذشته است. یکی از اولین اقدامات مؤثر در راه مبارزه با قاچاق، تصویب این اسناد است. پروتکل الحاقی به کنوانسیون پالمو در مورد پیش‌گیری، سرکوب و مجازات قاچاق انسان به‌ویژه زنان و کودکان، و پروتکل اختیاری کنوانسیون حقوق کودک در مورد فروش، فحشا و هرزه‌نگاری کودکان از جمله مهم‌ترین این اسناد هستند. تصویب این اسناد می‌تواند هم، نشانگر تعهد دولت به مبارزه با قاچاق باشد و هم، دولت از تصویب اساس‌نامه‌ی دیوان کیفری بین‌المللی نیز می‌تواند محاکمه و مجازات قاچاقچیان را به‌عنوان جنایت‌کاران ضد بشریت فراهم کند. پیوستن به این اسناد نیز با مشکل چندانی روبه‌رو نیست، چرا که تعارضات مهمی میان این سند و قوانین ایران وجود ندارد؛ از این رو به منظور مبارزه‌ی اصولی و همه‌جانبه با قاچاق انسان پیش‌نهاد می‌شود که نسبت به تصویب اسناد بالا اقدام شود.

اولویت‌دادن به پیش‌گیری از قاچاق انسان

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران پیش‌گیری از جرم را در اصل ۱۵۶ بطور صریح و اصل ۸ بطور غیر مستقیم مطرح نظر قرار داده است و این موضوع نشانگر اهمیت و نقش اساسی پیشگیری از جرم بعنوان یکی از ابزارهای مهم کنترل جرائم است. قانون اساسی با نگرش به بند ۵ اصل ۱۵۶ وظیفه اصلی واکنش در برابر جرم را به قوه قضاییه محول کرده است (رجبی پور، ۱۳۷۸: ۸۷).

در مرحله‌ی اول باید از تمام ابزارهای ممکن در راه پیش‌گیری از قاچاق انسان استفاده شود. فعالیت‌های آموزشی، فرهنگی، امنیتی و اقتصادی از جمله اقدامات صورت‌گرفته در این حوزه است. تصویب قوانینی برای تحقق این امور می‌تواند بسیار مفید و کارساز باشد. ممکن است با وجود تمامی اقدامات صورت‌گرفته قاچاق انسان روی دهد. در این صورت باید به مجازات مجرمین پرداخت تا بازدارندگی خاص و عام محقق شود. مجازات مجرمین به تنهایی کافی نبوده بلکه در کنار مجرمین باید حقوق و نیاز بزه‌دیدگان نیز در نظر گرفته

شود. اگرچه مجازات قاچاقچیان می‌تواند تا حدی آلام آنان را کاهش دهد، ولی علاوه بر آن، نیازمند حمایت‌های بهداشتی، مالی و شغلی هستند. سرمایه‌گذاری در حوزه‌ی پیش‌گیری از وقوع قاچاق بسیار کم‌هزینه‌تر از حوزه‌ی مبارزه است. از یک طرف از وقوع پدیده‌ی مجرمانه‌ی جلوگیری خواهد شد و از طرف دیگر از افراد بی‌گناهی که به بند قاچاق می‌افتند، هم‌چنین گسترش فساد، جلوگیری خواهد شد. پیش‌گیری، گستره‌ی بسیار وسیعی را از اقدامات فرهنگی گرفته تا اقدامات اقتصادی و حتی امنیتی در بر می‌گیرد.

افزایش آگاهی‌های عمومی از طریق اقدامات فرهنگی و آموزشی

در کشورهای مختلف اقدامات فرهنگی متعددی برای افزایش آگاهی مردم شروع شده است؛ برای نمونه برنامه‌های آموزش ملی که در مدارس و دانشگاه‌های برزیل صورت می‌گیرد را می‌توان نام برد. در این کشور اطلاع‌رسانی درباره‌ی قاچاق به دانش‌آموزان و دانشجویان، به یکی از وظایف اصلی مراکز بالا تبدیل شده است. علاوه بر مؤسسات آموزشی، بسته‌های اطلاع‌رسانی و نوارهای ویدئویی درباره‌ی قاچاق انسان تهیه کرده و در اختیار مردم قرار می‌دهند. گاه برنامه‌های آموزشی در مورد قاچاق جنبه‌ی عمومی‌تر یافته و از طریق رسانه‌های جمعی پخش می‌شود تا افراد بیش‌تری را تحت پوشش قرار دهد. از جمله‌ی این برنامه‌ها می‌توان به برنامه‌های آموزشی هفتگی دولت تایلند درباره‌ی قاچاق انسان اشاره کرد.

ایران در مقایسه با کشورهای دیگر، کم‌تر به موضوع پیش‌گیری توجه می‌کند. هرچند شاید بتوان برنامه‌های هفتگی در حوزه‌ی پیش‌گیری از انحرافات اجتماعی مثل مواد مخدر را مشاهده کرد، ولی برنامه‌های صورت‌گرفته درباره‌ی قاچاق به مراتب کم‌تر و شاید به جرأت بتوان گفت نادر است. شاید علت اصلی آن نیز نگاه امنیتی یا قبح اجتماعی قاچاق باشد. در حالی که باید برنامه‌های آموزشی در مورد چگونگی فعالیت باندهای قاچاق برای افرادی که آسیب‌پذیر هستند (به ویژه دختران) در نظر گرفته شود، کم‌ترین نشانی از آن در مدارس و دانشگاه‌ها مشاهده نمی‌شود. علاوه بر این ضروری است که خانواده‌ها نیز در مورد خطراتی که در این زمینه وجود دارد، آگاه شوند. آگاهی از قاچاق انسان تنها به اعلام کشف شبکه‌های قاچاق محدود می‌شود؛ از این رو ضروری است با پذیرش واقعیت‌های جامعه و توجه به لزوم مبارزه‌ی واقعی با قاچاق، نسبت به افزایش آگاهی مردم اقدام شود.

این امر می‌تواند از طریق تهیه‌ی جزوه‌هایی در مورد خطرات قاچاق؛ عملکرد قاچاقچیان؛ مسیرهای اصلی قاچاق؛ و توزیع آن‌ها در میان گروه‌های آسیب‌پذیر به‌ویژه دانش‌آموزان صورت پذیرد. نظیر این عمل را در بحث مبارزه با ایدز و مواد مخدر در مدارس مشاهده می‌کنیم. نصب پوسترها و تابلوهای تبلیغاتی و تیزرهای تلویزیونی در مورد قاچاق و خطرات آن نیز می‌تواند از دیگر اقدامات صورت گرفته در حوزه‌ی پیش‌نهادی باشد.

تعیین ضمانت اجرای غیر کیفری و کیفرهای تبعی و تکمیلی برای مرتکبان

مبارزه با قاچاق نیازمند وضع ضمانت اجرای متناسب است. گاهی تعیین مجازات‌های اصلی به تنهایی کافی نبوده و فاقد بازدارندگی است. از این رو ضروری است در این موارد از مجازات‌های تبعی و تکمیلی نیز استفاده کرد. استفاده از این مجازات‌ها در هنگامی که خویشاوندان و والدین، خود اقدام به قاچاق کرده‌اند دارای اهمیت بسیار است. در این مورد، سطح ضمانت اجرای در نظر گرفته‌شده، از حبس گرفته تا سلب حق سرپرستی می‌تواند متنوع باشد. صرف تعیین مجازات حبس کافی نبوده بلکه فراهم کردن شرایطی برای جلوگیری از سوء استفاده‌های احتمالی مجدد بعدی نیز ضروری است. این امر می‌تواند از طریق سلب حق سرپرستی محقق شود. در صورت وقوع چنین مواردی شاید بتوان به ماده‌ی ۱۱۷۳ قانون مدنی استناد کرد که طبق بند ۴ آن، سوء استفاده از کودکان یا اجبار او به ورود در مشاغل ضد اخلاقی مانند فساد، فحشا، تکدی‌گری و قاچاق را موجب سلب حضانت دانسته است. پس با وجود این ماده، راه سلب حضانت والدین خطاکار باز است و تنها نیازمند تشدید مجازات کیفری هستیم. این امر از دید نویسندگان نیز مغفول نمانده و بر ضرورت تشدید مجازات در چنین مواردی تاکید کرده‌اند.

Andets b johnsson carl bellamy combating child trafficking optic p 36

در کشورهای دیگر نیز این امر مد نظر بوده است. برای مثال ماده‌ی ۳۸۲ قانون آیین دادرسی کیفری بلژیک، کسانی را که از روسپیگری کودک استفاده کرده‌اند از اشتغال به مشاغل خاص مثل تدریس منع کرده است.

(February 2005) www.protectionproject.org

تشدید مجازات در برخی اوضاع و احوال خاص نظیر بروز حوادث غیر مترقبه در برخی از برهه‌های زمانی و به خاطر شرایط خاص (که البته موقت نیز هست) اشخاص

به دلیل نداشتن شرایط نامناسب زندگی، نسبت به قاچاق آسیب‌پذیرترند. برای مثال پس از وقوع حوادث غیرمترقبه‌ی طبیعی همانند زلزله، اشخاص زلزله‌زده شرایط خاصی پیدا می‌کنند که می‌توانند دستاویز برای قاچاقچیان و شکار سریع طعمه‌های خود باشند. با توجه به وضعیت جغرافیایی ایران و وقوع زلزله‌های متعدد و آسیب‌های جانی و مالی، تشدید مجازات برای چنین وضعیتی بسیار ضروری است. نمونه‌ی پیش‌آمده را می‌توان پس از زلزله‌ی بم مشاهده نمود که در آن، مواردی از قاچاق کودکان (به‌ویژه دختران) پس از زلزله‌ی بم گزارش شده است. و همین امر ضرورت تشدید مجازات در چنین مواردی را توجیه می‌کند.

به‌رسمیت‌شناختن مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی

یکی از اقداماتی که در زمینه‌ی مبارزه با قاچاق انسان از طریق قوانین کیفری می‌تواند صورت گیرد، پذیرش مسئولیت کیفری برای اشخاص حقوقی است. از آنجایی که قاچاق انسان در مواردی به‌وسیله‌ی اشخاص حقوقی (مانند در پوشش آژانس‌های مسافرتی) و در ظاهری قانونی صورت می‌گیرد، پذیرش مسئولیت کیفری برای اشخاص حقوقی - آژانس‌های مسافرتی و در نظر گرفتن مجازات‌های خاص برای آن‌ها نظیر بستن و تعطیلی مؤسسه و توقیف و ضبط و مصادره‌ی اموال حاصل از جرم در این زمینه، می‌تواند کارساز باشد.

عدم اعمال تخفیفات قانونی برای مرتکبان قاچاق

یکی از راه‌های تشدید کیفر بزه‌کاران قاچاق انسان، همانا اعمال نکردن تخفیفات در نظر گرفته‌شده است، مانند عدم تعلیق مجازات مرتکبان؛ عدم اعمال آزادی مشروط برای محکومان جرم قاچاق؛ و عدم اعمال تخفیف کیفر و عفو. این رویکرد افتراقی در حقوق کیفری ایران در مورد مجرمان قاچاق مواد مخدر و مرتکبان اختلاس و ارتشا و کلاهبرداری دارای سابقه است که با اصلاح قوانین، در مورد مرتکبان قاچاق انسان نیز قابل تعمیم است.

حمایت از بزه‌دیدگان در صورت بازگشت به کشور مبداء یا عدم بازگشت

اولین مرحله‌ای که بعد از شناسایی بزه‌دیدگان قاچاق باید صورت گیرد، تلاش برای

بازگرداندن آنان به آغوش خانواده و کشور متبوعشان است. در این راه باید از هرگونه اجبار خودداری شود. توجه به منافع بزه‌دیدگان در هنگام بازگرداندن آن‌ها به کشور بسیاری ضروری است؛ به این معنا که ممکن است در برخی از موارد عدم بازگشت به وطن اصلی، مفیدتر از بازگشت آن‌ها باشد؛ از این رو بیان شده است که باید توجه به عالی‌ترین منافع بزه‌دیده، همانا وجه همت مقاماتی باشد که قصد بازگرداندن بزه‌دیده را دارند. در چنین شرایطی که عدم بازگشت بزه‌دیده بیش‌تر در جهت منافع اوست، باید شرایطی فراهم شود که هم از سوء استفاده‌ی بعدی جلوگیری شود و هم امکان و شرایط زندگی در کشور مقصد مهیا شود. یکی از این شیوه‌ها صدور اجازه‌ی سکونت برای مدتی همراه با خدمات حمایتی به بزه‌دیده، است

(Anders B janson Carol bellamy Combating Child trafficking op cit p 56)

معافیت بزه‌دیدگان از مجازات

یکی از علل عدم بازگشت بزه‌دیدگان ترس از مجازات در صورت ورود به کشور است. در بسیاری از موارد بزه‌دیدگان به دلیل ترس از مجازات، اقامت در کشور مقصد هرچند با شرایط بسیار بد را ترجیح می‌دهند. از این رو باید به بزه‌دیدگان اطمینان داد که در صورت بازگشت، از هرگونه تعقیب جزایی مصون هستند.

طبق مقررات کنونی، کسانی که به ایران قاچاق شده‌اند ممکن است با عنوان ورود غیر قانونی مورد تعقیب قرار گیرند. در مورد کسانی که به خارج قاچاق می‌شوند نیز ممکن است علاوه بر تعقیب، با عنوان خروج غیر قانونی، برای جرائم دیگر نیز تحت تعقیب قرار گیرند. یکی از مهم‌ترین آن‌ها هنگامی است که شخص در خارج مورد بهره‌برداری جنسی قرار گرفته است. هرچند در مواردی که شخص از این‌که مورد بهره‌برداری جنسی قرار می‌گیرد آگاهی نداشته یا اجبار شده است، از مجازات‌های جدی مجاز است (طبق ماده‌ی ۶۴ قانون مجازات اسلامی)؛ ولی در مواردی که شخص در ابتدا با آگاهی کامل و با اختیار تام خارج شده و سپس مورد بهره‌برداری جنسی قرار گرفته، طبق قوانین کنونی ممکن است در صورت بازگشت با مجازات جدی مواجه شود. ترس از اجرای مجازات می‌تواند عامل مهمی در عدم بازگشت آن‌ها باشد. در واقع مشکل اصلی در این زمان بروز می‌یابد هر چند بزه‌دیده در ابتدا با آگاهی تن به رابطه داده است ولی امکان دارد در ادامه پشیمان شده و قصد بازگشت داشته باشد. در این حالت، شخص در دوراهی قرار می‌گیرد؛ از یک طرف

در صورت بازگشت، به مجازات جدی محکوم شده؛ ولی از طرف دیگر در صورت عدم بازگشت، هم‌چنان مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد، هم‌چنین از یک‌سو لزوم احترام به حقوق بشر و احساسات نوع‌دوستی اقتضای آن را دارد که بازگشت او را تسهیل کرده و با معافیت وی از مجازات، او را ترغیب به بازگشت نماییم و از طرف دیگر لزوم اجرای حد، اقتضای آن را دارد که حد در تمامی موارد بدون استثنا نسبت به همه اجرا شود. چنانچه نظر کسانی پذیرفته شود که معتقد به لزوم اجرای حد در تمامی زمان‌ها و مکان‌ها هستند، ناگزیر از مجازات آن‌ها هستیم؛ ولی چنانچه نظر کسانی پذیرفته شود که قائل به تعطیلی حدود در زمان غیبت دارند، می‌توان در این مورد، اقداماتی در جهت عدم مجازات آن‌ها انجام داد. با توجه به مقررات قانونی کنونی، نظر گروه اول پذیرفته شده است و طبق این نظر در هر حال باید حدود اجرا شود و نمی‌توان اقدام مهمی در این راستا انجام داد؛ ولی با این حال تغییر در مقررات دیگری که امکان تغییر آن‌ها وجود دارد، می‌تواند باعث ترغیب بزه‌دیدگان در بازگشت به کشور یا خروج اتباع کشورهای دیگر شود که به ایران قاچاق شده‌اند. عدم مجازات برای ورود غیر قانونی؛ اشتغال به کار بدون مجوز قانونی؛ و هم‌چنین خروج غیر قانونی از جمله‌ی این موارد هستند.

حمایت از بزه‌دیدگان در فرایند رسیدگی

پس از بازگشت بزه‌دیدگان، حمایت از آن‌ها در فرایند کیفری در جهت شناسایی و مجازات قاچاقچیان بسیار ضروری است. در این فرایند باید تمامی اقدامات به‌صورتی انجام گیرد که منافع بزه‌دیده به نحو احسن رعایت شود. این امر می‌تواند از طریق توسل به برخی راهکارها محقق شود. تعیین نماینده‌ی قانونی و حقوقی برای بزه‌دیده؛ جلوگیری از افشای هویت بزه‌دیده؛ جلوگیری از افشای بزه‌دیدگان برای عموم و به‌ویژه برای قاچاقچیان. قربانیان قاچاق به‌دلیل لطمه‌ای که بر آن‌ها وارد شده، اغلب خود نمی‌توانند دعوی کیفری را به نحو احسن دنبال کنند. ترس از انتقام؛ عدم توانایی مالی برای اخذ وکیل؛ و ناهمراهی خانواده در حمایت از بزه‌دیده در تعقیب مجرمان، همگی ضرورت انتخاب نماینده‌ی قانونی و حقوقی را برای بزه‌دیده توجیه می‌کنند.

از سایر موارد می‌توان به مسائل زیر اشاره کرد:

از بین‌بردن تبعیض‌های اجتماعی، و حمایت ویژه از زنان و کودکان؛

نظارت مستمر و نظام‌مند بر آژانس‌های کاریابی و تحصیل در خارج از کشور؛
 اقدامات مرزی؛
 اصلاح قوانین درباره‌ی حداقل سن ازدواج؛
 تکمیل قوانین درباره‌ی نکاح موقت؛
 اصلاح قوانین درباره‌ی فرزندخواندگی؛
 مبارزه با قاچاق انسان از طریق قوانین کیفری خاص؛
 تشدید مجازات نسبت به مرتکبان خاص؛
 مبارزه با فقر و ایجاد فرصت‌های برابر شغلی؛^۸

منابع:

۱. آقابیکلویی، عباس و دیگران (۱۳۸۰)؛ کودک آزاری؛ تهران؛ کتاب آوند دانش.
۲. پیشگاهی‌فرد، زهرا (۱۳۸۶)؛ فرهنگ اصطلاحات جغرافیای سیاسی؛ نشر انتخابات.
۳. خبرگزاری ایران نیوز؛ شماره‌ی ۸۴۰۱۲۲.
۴. دفتر برنامه‌ریزی اجتماعی و مطالعات فرهنگی وزارت علوم تحقیقات و فناوری؛ گزارش اجلاس ۴۷ کمیسیون مقام زن گروه مطالعات زنان.
۵. رجبی پور، محمود (۱۳۸۷)؛ مبانی پیش‌گیری اجتماعی از بزه کاری اطفال و نوجوانان؛ انتشارات دانشگاه پلیس.
۶. زنجانی، حبیب‌الله (۱۳۸۰)؛ مهاجرت؛ انتشارات سمت؛ تهران؛ چاپ اول.
۷. سازمان دفاع از قربانیان خشونت ۱۳۶ : ۱۳۸۲.
۸. السان مصطفی (۱۳۸۴)؛ قاچاق زنان و کودکان برای بهره‌کشی جنسی، فصلنامه‌ی علمی و پژوهشی رفاه اجتماعی؛ سال چهارم؛ شماره‌ی ۱۶.
۹. صندوق کودکان سازمان ملل-یونیسف (۱۳۷۷)؛ تحلیلی از موقعیت کودکان خیابانی

۸- حال چنانچه با وجود تمامی اقدامات پیش‌گیرانه، قاچاق انسان صورت گرفت، باید با وضع مجازات‌های مناسب از تکرار آن جلوگیری کنیم. هدف اصلی ما در این راه می‌تواند هم بازدارندگی عام و هم بازدارندگی خاص باشد. در بازدارندگی خاص، هدف اصلی آن است که مرتکب را از ارتکاب مجدد قاچاق پس از تحمل مجازات بازداریم. در بازدارندگی عام نیز هدف آن است که با مجازات مجرم، افراد دیگری که قصد ارتکاب جرم را دارند، از هدفشان منصرف کنیم. بدون شک تعیین مجازات خفیف مثل جزای نقدی نمی‌تواند سودمند باشد. مجرم‌ان با اندک محاسبه‌ای متوجه خواهند شد که در صورت محکومیت می‌توانند جزای نقدی را از طریق سود سرشاری که از قاچاق به‌دست می‌آورند، جبران کنند.

تهران؛ تهران؛ دفتر یونیسف.

۱۰. گزارش سالیانه‌ی وزارت خارجه‌ی آمریکا در مورد قاچاق انسان؛ سال ۲۰۰۶.
۱۱. گزارش فرماندهی انتظامی تهران بزرگ در پاسخ به درخواست اطلاعات مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی درباره‌ی قاچاق انسان؛ ۱۳۸۳/۱۲/۱۰.
۱۲. گزارش قاچاق انسان در جهان و موقعیت جمهوری اسلامی ایران؛ محرمانه، شماره‌ی ۷۳۲۹.
۱۳. گزارش کمیسیون اروپا در زمینه‌ی قاچاق انسان ۲۰۰۶.
۱۴. گزارش همایش حقوق کودک در دانشگاه تهران؛ سه‌شنبه؛ ۱۸ مهر ۱۳۸۵.
۱۵. معظمی، شهلا (۱۳۸۲)؛ فرار دختران جوان؟؟؟؟؛ نشر گرایش.
۱۶. ممتاز، فریده (۱۳۸۱)؛ انحرافات اجتماعی؛ انتشارات شرکت سهامی.
۱۷. مهریزی، مهدی (۱۳۸۷)؛ گزیده‌ی مقالات و متون: فمینیسم؛ انتشارات الهدی؛ تهران؛ چاپ اول.
۱۸. نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۷۹)؛ تقریرات درس جرم‌شناسی؛ دوره‌ی کارشناسی ارشد، دانشکده‌ی حقوق دانشگاه شهید بهشتی، تنظیم محمد حسین شاملو احمدی؛ نیم سال اول ۸۰-۱۳۷۹.

[www.protetion 19. project . org](http://www.protetion19.project.org) (February 2005)

Anders B gabson Carol bellamy Combating Child trafficking opcit p 56 .۲۰

Anders B gabson Carol bellamy Combating Child trafficking opcit p 56 .۲۱

global report on crime and justice united nations. 1999. P225 .۲۲

<http://aseansec.org/2822>.۲۳

<http://nhatquanglan10catch.com> .۲۴

[http/ www.fakauhi.com/node/1314](http://www.fakauhi.com/node/1314) .۲۵

[http/ iiwww.hayat.iry/lang](http://iiwww.hayat.iry/lang) .۲۶

human trafficking. Org 1999 .۲۷

jun18 , 2003.p,unique .۲۸

www.BBC.com.۲۹